

Lesson 4

Traveling the World

travelling the world	دنیا را دیدن	abroad	خارج از کشور، خارج
cruelly	با بی رحمی، سنگدلانه	actual	واقعی، حقیقی
wonderful	فوق العاده، عالی	Africa	آفریقا
enjoy	لذت بردن	as	بعنوان
both and	هم هم	at the same time	هم زمان با هم، در یک وقت
tourist attractions	جاذبه های گردشگری	attract	جذب کردن، جلب کردن، مجذوب کردن
attraction	جاذبه، کشش، جذبه	attractive	جذاب، زیبا، جالب
attractively	به صورت زیبایی، به طرز جذابی	attractiveness	جذابیت، جلوه، زیبایی
foreign	خارجی، خارجه	become	شدن
behave	رفتار کردن	behavior	رفتار
honest	درستکار، صادق، راستگو	bravely	شجاعانه، دلیرانه
may	ممکن است	buy	خریدن
shrine	آرامگاه، مقبره	camel	شتر
happily	با خوشحالی	carefully	با دقت، با احتیاط
ticket	بلیط	check	بررسی کردن
historical	تاریخی	choice	انتخاب
come back	برگشتن	comfortable	راحت، آسوده
amazing nature	طبیعت شگفت آور	continent	قاره
chips	سیب زمینی سرخ کرده، چیپس	cookie	شرینی، بیسکویت
comfortably	به راحتی، راحت، به طور مرفه	cruel	ظالم، بی رحم
across	از این طرف به آن طرف، به طرف دیگر	desert	بیابان
well	بخوبی (قید)	do homework	انجام دادن تکالیف
entertainment: activities that people enjoy	سرگرمی، تفریح	domestic: relating to one country	داخلی، اهلی، خانگی
their own country	کشور خودشان	Egypt	کشور مصر
should	باید، بایستی	embassy	سفارت، سفارتخانه
France	فرانسه	European countries	کشورهای اروپایی
cheap	ارزان، ارزان قیمت	expensive	گران، گران قیمت
easily	به آسانی	fast	سریع، به سرعت (صفت و قید)
generous	سخاوتمند، دست و دل باز	generously	فراوان، سخاوتمندانه، از روی بزرگواری
must: have to	باید، مجبور بودن	get	گرفتن، بدست آوردن

tourist industry	صنعت گردشگری	health	سلامتی
Muslims	مسلمانان	holy	مقدس
junk food	هله هوله، آت و آشغال	homemade food	غذای خانگی
May I use ... ?	ممکنه من استفاده کنم از ... ؟	honestly	صادقانه، واقعا، حقیقتا، به راستی
loudly	با صدای بلند	hungry	گرسنه، مشتاق
heart	قلب	hurt	آسیب رساندن به، صده زدن به
host	میزبان	image	تصویر، عکس
hungrily	با ولع، مشتاقانه	interesting	جالب
Beirut	بیروت (پایتخت لبنان)	Italy	ایتالیا
irregular verbs	فعل های بی قاعده	keep	نگه داشتن، حفظ کردن
hard	محکم، مشکل، سخت کوش، شدید (صفت و قید)	late	دیر، دیر وقت، تا دیر وقت، اخیر (صفت و قید)
safely	با اطمینان، مطمئن، با احتیاط	leave	رفتن، ترک کردن جایی، گذاشتن
sit down	نشستن	listen to	گوش کردن به
actually	واقعا، حقیقتا، در واقع	loud	بلند، رسا، پر سر و صدا
finish	تمام کردن	midnight	نیمه شب
nicely	به خوبی، با دقت، دوستانه	neatly	به طور مرتبی، به دقت
around	در حدود، تقریبا، سرتاسر	one billion people	یک میلیارد نفر
nation	ملت، کشور	own	خود، مال خود، خاص خود
politely	مودبانه، از روی ادب	patiently	با شکیبایی، صبورانه، با بردباری
sunrise	طلوع خورشید	pay for	پول چیزی را پرداخت کردن
Europe	اروپا	Peru	پرو
destination	مقصد	pilgrims	زائران
in fact: really	در واقع، واقعا	popular	پر طرفدار، مردم پسند، عمومی، مشهور
obligation	تعهد، اجبار، وظیفه	possibility	امکان، احتمال
angrily	با عصبانیت، با خشم، با تندى	possibly	احتمالا، شاید
most often	بیشتر وقتها	prepositions	حروف اضافه
international	بین المللی	pyramids	اهرام
quiet	ساکت، بی صدا، آرام	quietly	به آرامی، با ملایمت، به آهستگی، بی سرو صدا
culture: the way of life, especially the beliefs and behavior of a group of people	فرهنگ	range: a set of similar things	مجموعه، دامنه، طیف، حوزه
honesty	صداقت، درستی، راستگویی	interestingly	جالب است که ...، شگفت این که ...
rudely	بی ادبانه، گستاخانه، به طور ناگهانی	rude	پر رو، گستاخ، بی شرم
probably	احتمالا	season	فصل

a range of	انواع، انواع زیادی از	sell	فروختن
booklet	کتابچه، دفترچه	site	محل، جا، زمین
Chile	شیلی	South America	آمریکای جنوبی
vacation	تعطیلات	spend	گذراندن، صرف کردن، خرج کردن
suggestion	پیشنهاد	suggest	پیشنهاد دادن
hospitable	مهمان نواز	suitable	مناسب
midday	ظهر، نیم روز	sunset	غروب آفتاب
respect	احترام گذاشتن	swim	شنا کردن
suitably	بطور مناسبی، در حد انتظار	the risk of illness	خطر بیماری
actually: really; in fact	در واقع، واقعا، حقیقتا	to be sure	مطمئن بودن
a true paradise	یک بهشت واقعی	tour	تور، گردش، سفر، بازدید
a guided tour	تور با راهنما	touring	جهانگردی، توریستی، گردشگری
tourism	جهانگردی، گردشگری	tourist	گردشگر
delicious food	غذای خوشمزه	traditional ceremonies	مراسم سنتی
travel the world	دنیا را گشتن	travel abroad	به خارج سفر کردن
travel agent	آژانس مسافرتی، کارمند آژانس مسافرتی	travel agency	آژانس مسافرتی
travel	سفر کردن	traveler	مسافر
familiar with	آشنا با	trip	مسافرت، سفر درون شهری
remember	به یاد آوردن، به یاد داشتن	useful foods	غذاهای مفید
prepare	آماده کردن، مهیا کردن	vegetables	سبزیجات
passport	پاسپورت	visa	ویزا، روادید
history	تاریخ، تاریخچه	visit	دیدن کردن از، دیدن، ملاقات، دیدار، ویزیت
can: to be able to	توانستن، قادر بودن	website	وب سایت، پایگاه اطلاع رسانی
ancient	قدیمی، باستانی	wind towers	برجهای بادگیر

A **B**

- | | |
|-------------|-------------------------|
| summer | country |
| historical | vacation |
| suitable | websites |
| check | a set of similar things |
| four-season | sites |
| have | suggestions |
| domestic | relating to one country |
| range | choice |

کاربرد افعال modal یا ناقص در جملات انگلیسی

افعال modal یا ناقص مثل: **can, could, may, might, must, should** فعل های کمکی هستند که دارای معنا و مفاهیمی مثل: توانایی (ability)، احتمال (possibility)، ضرورت، اجبار (necessity and obligation)، توصیه (advice)، پیشنهاد (suggestion) و نتیجه گیری (conclusion) هستند.

در این قسمت به بحث و بررسی معنا، مفهوم و کاربرد این افعال در جملات انگلیسی می پردازیم.

should (باید، بایستی)

... + فعل ساده + should + فاعل

۱. از فعل کمکی **should** برای بیان تعهد و وظیفه در جمله استفاده می شود. معمولاً این تعهد و وظیفه اخلاقی است، و اشاره به کارهای می کند که انجام دادن آنها برای مردم درست و عاقلانه است. در واقع **should** در اینجا یک نوع وظیفه، تعهد و یا اجبار ضعیف است.
We **should be** polite to people and their culture. We **should not say** bad things about their food, dresses, or ceremonies.

ما باید نسبت به مردم و فرهنگشان مودب باشیم. نباید در باره غذا، لباس و مراسم هایشان حرف های بد بزنیم.

Every society **should take** care of its senior citizens. هر جامعه ای باید از افراد سالخورده اش مراقبت کند.

Everyone **should respect** other people's culture. همه باید به فرهنگ مردمان دیگر احترام بگذارند.

۲. از فعل کمکی **should** هم چنان برای توصیه کردن، پیشنهاد دادن و یا درخواست پیشنهاد استفاده می کنیم. هنگام توصیه کردن، گوینده جمله در حال بیان یک نظر یا عقیده در باره انجام دادن یا انجام ندادن کاری است.

A: He has a bad cold. B: He **should stay** in bed. او سرمای بدی خورده. باید در رختخواب بماند.

You **should see** the new James Bond movie. It's great! تو بایستی فیلم جدید جیمز باند را ببینی. عالیه!

He **shouldn't smoke**. And he **should stop** drinking too.

او نباید سیگار بکشد. و همچنین باید نوشیدن مشروب را متوقف کند.

What **should** I do? چکار باید کنم؟

Should I trust him? آیا باید به او اعتماد کنم؟

must (باید – مجبور بودن)

... + فعل ساده + must + فاعل

فعل کمکی **must** مترادف **have to** (مجبور بودن) می باشد و در زمانهای حال ساده و آینده ساده به کار می رود.
◀ وقتی انجام دادن کاری، بخاطر یک قانون یا دستور واجب و ضروری و مهم است، از **must** استفاده می کنیم.

All applicants **must take** an entrance exam. همه متقاضیان باید امتحان ورودی بدهند.

Tell Ali he **must tidy** his room at once. به علی بگو باید فوراً اتاقش را مرتب کند.

You **must stop** smoking or you will die. تو مجبوری از سیگار کشیدن دست بکشی وگرنه خواهی مرد.

◀ وقتی انجام ندادن کاری مهم و ضروری است از **must not** استفاده می کنیم.

We **must not hurt** animals and plants. ما نباید به حیوانات و گیاهان صدمه بزنیم.

Students **must not use** cell phone in class. دانش آموزان نباید در کلاس تلفن همراه استفاده کنند.

فرق بین should و must

فعل کمکی **should** اشاره به پیشنهاد ها و توصیه های ضعیف (less strong suggestions) می کند، در واقع دنبال کردن این پیشنهاد ها اختیاری است و انجام آنها ضروری نیست. بطور کلی وقتی **should** در جمله بکار می رود یعنی هنوز انتخاب دیگری وجود دارد. در حالیکه فعل کمکی **must** اشاره به دستور ها یا فرمان ها (orders) می کند و یا اشاره به پیشنهاد های می کند که انجام آنها ضروری است (strong suggestions). در واقع وقتی **must** در جمله بکار می رود یعنی جای هیچ انتخاب دیگری نیست.

You **must stop** smoking or you will die. تو مجبوری از سیگار کشیدن دست بکشی و گر نه خواهی مرد.

You really **should stop** smoking; you know it is bad for you.

تو واقعا باید سیگار را ترک کنی، تو می دانی آن برای تو بد است.

جاهای خالی را با should یا must پر کنید.

1. You know, I think you take a holiday.
2. Tell Mark wash the dirty dishes at once.
3. Visitors are reminded that they keep their bags with them.
4. All officers report to the Commanding Officer by midday.
5. I am sorry, but you go. We don't want you here.
6. You have your hair cut at least once a week.

۱. می دونی، من فکر می کنم تو بایستی به یک تعطیلی بری.

۲. به مارک بگو فوری ظرفهای کثیف را بشوید.

۳. بازدیدکنندگان باید داشته باشند که کیف هایشان را بایستی پیش خود نگه دارند.

۴. همه افسرها باید تا ظهر به دفتر فرماندهی گزارش دهند.

۵. متاسفم، شما باید بروید. ما شما را اینجا نمی خواهیم.

۶. شما باید موهای خود را حداقل یک بار در هفته کوتاه کنید.

It's wet and windy outside today. You go out without an umbrella.

- 1) should 2) must 3) shouldn't 4) won't

He do more exercises. He is 70 and his heart is very weak too.

- 1) should not 2) may not 3) must not 4) could not

can : (توانستن)

به توانایی انجام کار در زمان حال و آینده اشاره می کند و مترادف آن **to be able to** (قادر بودن) است.

... + فعل ساده + can + فاعل

Our good behavior **can give** a good image of our country to other people.

رفتار خوب ما می تواند تصویر خوبی از کشور ما را به دیگران نشان دهد.

I think that I **can speak** English quite well in a few months.

من فکر می کنم که من می توانم ظرف مدت چند ماه به خوبی انگلیسی صحبت کنم.

Sorry, we **cannot come** your party next Sunday. با عرض پوزش، ما نمی توانیم به مهمانی یکشنبه آینده شما بیایم.

❖ فعل کمکی **could** گذشته **can** می باشد و به توانایی انجام کار در گذشته اشاره می کند.

... + فعل ساده + could + فاعل

We wanted to go to the opera, but we **could not get** tickets.

می خواستیم به اپرا برویم، اما نمی توانستیم بلیط تهیه کنیم.

When he was young, he **could run** very fast.

وقتی که او جوان بود، می توانست خیلی سریع بدود.

may و might : (ممکن بودن – ممکن است)

... + شکل ساده فعل + may / might + فاعل

فعل های کمکی may و might دارای دو معنا و مفهوم هستند:

۱. این دو فعل کمکی بیانگر احتمال و امکان انجام یک عمل در زمان های حال و آینده هستند.

I have not decided yet where to spend my holiday. I **may / might go** to London.

من هنوز تصمیم نگرفته ام کجا تعطیلاتم را بگذرانم. ممکن است به لندن بروم.

Take an umbrella with you. It **may / might rain** later.

چتر را با خود ببر. ممکن است بعدا باران ببارد.

What kind of car are you going to buy? I **am not sure** yet. I **may / might buy** a Toyota.

چه نوع اتومبیلی قصد داری بخری؟ هنوز مطمئن نیستم. ممکن است تویوتا بخرم.

اگر عبارتها و یا اصطلاحات زیر که بیانگر شک و تردید هستند در جمله بکار روند، از **may** و **might** استفاده می کنیم.

I am not sure. مطمئن نیستم.

I do not exactly know. من دقیقا نمی دانم.

perhaps شاید

I wonder من تعجب می کنم، شگفت زده هستم، نمی دانم.

I doubt شک دارم.

۲. وقتی در موقعیت های رسمی و مودبانه اجازه انجام کاری را درخواست می کنیم و یا به کسی اجازه می دهیم کاری را انجام دهد از فعل

کمکی **may** استفاده می کنیم. از **might** خیلی کمتر برای درخواستهای مودبانه استفاده می شود.

A: **May I use** your camera for my trip? B: Honestly, no. I need it this week.

ممکن است من برای سفرم از دوربین شما استفاده کنم؟ راستش، نه. من این هفته بهش احتیاج دارم.

A: **May I leave** the class? B: Yes, you may. ممکن است کلاس را ترک کنم؟ بله، ممکن است.

When is Jim coming to see us? I do not know for sure. He come on Saturday.

1) must 2) should 3) may 4) will

چه موقع جیم قصد دارد به دیدن ما بیاید؟ مطمئن نیستم. او ممکن است روز شنبه بیاید.

What is Julia going to do when she graduates from high school? She is still thinking about it.

She go to college.

1) would 2) will 3) must 4) might

حروف اضافه (prepositions)

حروف اضافه زمان the prepositions of time

کاربرد حروف اضافه **on**, **at**, **in** به همراه ماهها، سال ها، فصل ها، قرن ها، بخش های از روز و ...

in

از حرف اضافه **in** به همراه بخش های از روز، ماه ها، سال ها و فصل ها استفاده می کنیم.

in the morning	صبح - صبح ها	in the afternoon	بعداز ظهر - بعداز ظهر ها
in the evening	شب - شب ها	in September	در سپتامبر
in Shahrivar	در شهریور	in (the) spring	در بهار
in (the) winter	در زمستان	in Norooz	در نوروز
in 2016	در سال ۲۰۱۶	in the 18 th century	در قرن هیجدهم

She left school **in** 1993.

او در سال ۱۹۹۳ مدرسه را ترک کرد.

Do you often go out **in** the evening?

آیا شما اغلب در شب بیرون می روید؟

She got married **in** July.

او در ماه جولای ازدواج کرد.

at

حرف اضافه **at** به همراه ساعت، بعضی از قسمت های از روز و بعضی از اصطلاحات زمانی زیر بکار می رود.

at 8 o'clock	در ساعت ۸	at night	شب
at noon	ظهر	at midnight	نیمه شب
at midday	در نیمه روز	at sunrise	در طلوع خورشید
at sunset	در غروب خورشید	at Christmas	در کریسمس
at the beginning of June	اه ژوئن	at weekend	در تعطیلات آخر هفته
at the end of October	در پایان ماه اکتبر		

At night, you can see the stars.

در شب شما می توانید ستاره ها را ببینید.

I go to the bed **at** eleven o'clock.

من در ساعت ۱۱ به رختخواب می روم.

Where will you be **at** Christmas?

کریسمس کجا خواهید بود؟

on

on Wednesday	در روز چهارشنبه	on Friday	در روز جمعه
on Monday morning	صبح دوشنبه	on Tuesday evening	سه شنبه شب
on vacation / holiday	در تعطیلات	on 25 April	در ۲۵ آوریل
Goodbye! See you on Friday.		خداحافظ! روز جمعه می بینمت.	
The concert is on 22 November.		این کنسرت در تاریخ ۲۲ نوامبر برگزار می شود.	

حروف اضافه مکان the prepositions of place

کاربرد حروف اضافه in , at , on , in front of, opposite, next to به همراه نام محل ها یا مکان ها

in

in Tehran	در تهران	in Beirut	در بیروت
in Asia	در آسیا	in Europe	در اروپا
in Italy	در ایتالیا	in Pakistan	در پاکستان
in the north of Italy	در شمال ایتالیا		
London is in England.		لندن در انگلیس است.	
Egypt is in Africa.		مصر در آفریقا است.	

on

on the table	روی میز	on the desk	روی میز تحریر
on page 5	در صفحه ۵	on the wall	روی دیوار
on a map	روی نقشه	on the shelf	روی قفسه
on a horse	روی اسب	on a bicycle	روی دوچرخه
دشوار است که چیزهای زیادی را روی یک دوچرخه حمل کنیم. It's difficult to carry a lot of things on a bicycle.			
روی دیوار در اتاق نشیمن یک آینه وجود دارد. There is a mirror on the wall in the living room.			

at

at home	در خانه	at school	در مدرسه
at work	در سر کار	at university	در دانشگاه
at the station	در ایستگاه	at the airport	در فرودگاه
Will you be at home this evening?		آیا امشب در خانه هستی؟	
Helen is studying law at university.		هلن در دانشگاه حقوق می خواند.	
تذکر: اغلب ما می توانیم برای ساختمانها (رستورانها، هتل ها و ...) هم از حرف اضافه in و هم at استفاده کنیم.			
We stayed at / in a nice hotel.		ما در یک هتل زیبا ماندیم.	

in front of

حرف اضافه های in front of و opposite بمعنی "در جلوی، مقابل، روبروی"، متضاد آنها حرف اضافه behind بمعنی "در پشت" است.			
There is a bus stop in front of the school.		یک استگاه اتوبوس در جلوی مدرسه وجود دارد	
They sat opposite each other.		آنها در مقابل یکدیگر نشستند.	
She shut the door behind me.		او در را پشت سرم بست.	

next to

حرف اضافه next to بمعنی "در کنار، پهلوی، کنار" مترادف حرف اضافه های beside و by است.			
Sit next to / beside your sister.		کنار خواهر خود بشین.	
I sat next to / beside him at dinner.		من موقع شام کنار او نشستم.	
Our house is by / beside the sea.		خانه مان کنار دریا است.	

Goodbye! I will see you

1) under Sunday afternoon

2) on Sunday afternoon

3) in Sunday afternoon

4) at Sunday afternoon

Mary and I first met 1999.

1) on

2) in

3) at

4) above

پاسخ: از حرف اضافه in برای اشاره به سال استفاده می کنیم. "مری و من اولین بار در سال ۱۹۹۹ با هم آشنا شدیم."

I'm going away the end of January.

1) at

2) on

3) in

4) for

پاسخ: از حرف اضافه at برای اشاره به پایان یک دوره، فیلم، داستان و غیره استفاده می کنیم. "در آخر ژانویه از اینجا خواهم رفت."

at + the end + of ...

..... Fridays we usually get up late the morning.

1) In / in

2) In / on

3) On / in

4) On / on

Let's meet 7.30 tomorrow evening.

1) in

2) on

3) during

4) at

جاهای خالی را با حرف اضافه های in/ on/ at پر کنید.

1. There are some books the shelf and some pictures the wall.

2. Write your name the top of the page.

3. Who is that man the motor-bike?

4. I like to look at the stars the sky night.

5. The bank is to the bookshop.

6. The fountain is of the theater.

۱. چند کتاب در قفسه و چند عکس روی دیوار وجود دارد.

۲. نام خود را در بالای صفحه بنویس.

۳. آن مرد روی موتور سیکلت کیست؟

۴. من دوست دارم در شب به ستاره ها در آسمان نگاه کنم.

۵. بانک کنار فروشگاه کتاب است.

۶. فواره در مقابل سالن تئاتر است.

1) on / on

2) at

3) on

4) in / at

5) next

6. in front

فرق بین صفت و قید حالت

قبل از وارد شدن به بحث قید حالت بهتر است کمی با فرق بین **صفت** و **قید** حالت آشنا شویم. **صفت** کلمه ای است که در جمله بکار می رود تا یک **اسم** را برای ما توصیف کند و یا **اطلاعاتی** در باره آن به ما بدهد.

careful driver راننده با دقت **beautiful girl** دختر زیبا **correct pronunciation** تلفظ صحیح

در حالیکه **قید حالت** کلمه ای است که **فعل اصلی** جمله را **توصیف** می کند و **اطلاعاتی** در باره آن **فعل** به ما می دهد. معمولاً محل قرار گیری قید حالت در جمله **بعد** از **فعل اصلی** جمله و یا بعد از **مفعول** جمله است.

We can learn this language easily.

فعل اصلی مفعول قید حالت

ما می توانیم این زبان را به آسانی یاد بگیریم.

He spoke quietly.

قید حالت فعل اصلی

او به آرامی صحبت کرد.

قید حالت (adverbs of manner)

قید کلمه ای است که معمولاً **اطلاعاتی** درباره **فعل اصلی** جمله به ما می دهد. مثلاً **قید مکان**، اشاره به **محل وقوع** فعل اصلی جمله می کند و **قید زمان**، **زمان وقوع** فعل اصلی جمله را نشان می دهد. **قید حالت** نیز برای **بیان حالت و چگونگی انجام فعل اصلی** جمله بکار می رود. اما ما در این قسمت فقط به بحث و بررسی قید حالت می پردازیم.

طرز ساخت قید حالت

برای ساختن قید حالت فقط کافیسست که به آخر **ly** اضافه می کنیم. مثل:

قید حالت = ly + صفت

beautiful + ly = beautifully به زیبایی

careful + ly = carefully با دقت

polite + ly = politely مودبانه

He pronounced these words correctly yesterday.

او دیروز این کلمات را بطور صحیح تلفظ کرد.

She speaks English fluently.

او انگلیسی را روان صحبت می کند.

❖ صفاتی که به -y ختم می شوند، در هنگام ساختن قید حالت شان تبدیل به -ily می شوند.

angry → angrily با عصبانیت happy → happily با خوشحالی

❖ صفاتی که به -ble ختم می شوند، در هنگام ساختن قید حالت شان تبدیل به -bly می شوند.

possible → possibly احتمالاً، شاید probable → probably احتمال دارد که، احتمالاً

صفات بی قاعده

صفات بی قاعده ای مثل: early - late - fast - hard به همین صورت هم صفت و هم قید حالت هستند. یعنی هیچگاه برای ساختن قید حالت آنها به آخرشان **ly** اضافه نمی کنیم.

hard → hard سخت، به سختی

fast → fast سریع، بسرعت

late → late دیر، دیر وقت

early → early زود، زودتر از موقع، اولیه، نخستین

❖ برای تشخیص نقش دستوری صفات early - late - fast - hard در سوالات و جملات انگلیسی به توضیحات زیر توجه کنید.

اگر این چهار صفت قبل از یک اسم و یا بعد از افعال ربطی در جمله بکار روند، نقش صفت را بخود می گیرند. (بطور کلی همه صفات یا قبل از یک اسم و یا بعد از افعال ربطی در جمله بکار می روند).

مهمترین افعال ربطی عبارتند از:

am, is, are, was, were

look بنظر رسیدن

become شدن

seem بنظر رسیدن

get شدن

Jack is a very fast runner.

جک یک دوندۀ خیلی سریع است.

در جمله بالا fast نقش صفت را برای اسم runner دارد.

Alice is a hard worker.

آلیس کارگر سخت کوشی است.

در این جمله hard نقش صفت را برای اسم worker دارد.

I was late.

من دیر کردم.

در این جمله late نقش صفت را دارد زیرا بعد از فعل ربطی was بکار رفته است.

اما اگر این چهار صفت بعد از فعل اصلی جمله (فعل هایی که ربطی نیستند) بکار روند قید حالت محسوب می شوند.

Jack can run very fast.

جک می تواند خیلی با سرعت بدود.

در این جمله fast نقش قید حالت را دارد، زیرا بعد از فعل اصلی جمله یعنی run بکار رفته است.

Alice works hard.

آلیس سخت کار می کند.

در این جمله hard قید حالت است. زیرا بعد از فعل اصلی جمله بکار رفته است.

I **got up late** this morning.

امروز صبح من دیر بلند شدم.

در این جمله **late** قید حالت است. زیرا بعد از **فعل اصلی** جمله بکار رفته است.

❖ یکی دیگر از **صفت های** مهم بی قاعده **good** است که قید حالت آن **well** (به خوبی) است.

good → **well** بخوبی

Your English **is** very **good**.

انگلیسی تو خیلی خوب است.

صفت **good** بعد از فعل ربطی **is** بکار رفته است.

You **speak** English very **well**.

تو انگلیسی را خیلی خوب صحبت می کنی.

قید حالت **well** بعد از **speak** فعل اصلی جمله بکار رفته است.

Jake has poor eyesight. He can't see without his glasses.

- 1) good 2) hardly 3) careful 4) well

I play tennis but I'm not very

- 1) good 2) well 3) hardly 4) powerfully

She answered the questions

- 1) correct 2) correctly 3) rapid 4) lonely

پاسخ: چون answered فعل اصلی است، بنابراین نیاز به قید حالت داریم و فقط گزینه ۲ correctly قید حالت است. بعضی از صفات مانند lonely (تنها، یکه و تنها)، lovely (دوست داشتنی)، friendly (مهربان) آخر آنها به ly ختم شده است اما قید حالت محسوب نمی شوند.

She **is** friendly and lovely.

او مهربان و دوست داشتنی است.

جاهای خالی را با کلمات داخل پرانتز پر کنید.

1. I study (hard / hardly)
2. David is kind, generous, and thoughtful. He is a person. (well / good)
3. Did you sleep (good / well)
4. She speaks (honestly / honest)
5. Nastaran puts her books inside the desk. (neat / neatly)
6. My uncle painted my room (nice / nicely)
7. She looked at the child and asked : "what's your name?" (politely / polite)

۱. من سخت مطالعه می کنم.

۲. دیوید مهربان، سخاوتمند، و بافکر. او شخص خوبی است.

۳. آیا شما خوب خوابیدید؟

۴. آیا او صادقانه صحبت می کند؟

۵. نسترن کتابهایش را به طور منظم داخل میز قرار می دهد.

۶. عموی من اتاقم را بخوبی رنگ زد.

۷. او به بچه نگاه کرد و مودبانه پرسید: نام تو چیست؟

Vocabulary

1. I would like to go this year, perhaps to the South of France.
1) widely 2) hard 3) abroad 4) safely
2. Life in Paris has so many , big parks, good restaurants, old places, and so on.
1) attractions 2) difficulties 3) destinations 4) vacations
3. It's a very offer, but I'm afraid I can't accept it.
1) unimportant 2) unusual 3) sleepy 4) attractive
4. When we reached our, ten days later, we were tired and hungry.
1) vocation 2) attraction 3) suggestion 4) destination
5. A religious person who travels a long way to a holy place. He or She is called a (an)
1) tourist 2) pilgrim 3) traveler 4) visitor
6. A home for elderly will be built on the of the old church.
1) site 2) country 3) station 4) agency
7. I spent part of my Nowruz with my mom's family.
1) duty 2) vacation 3) gift 4) season
8. Marythe whole morning listening to the radio.
1) spent 2) travelled 3) left 4) played
9. They are going to across Canada this summer.
1) attract 2) enjoy 3) travel 4) invent
10. We must pay attention to what young children aredoing.
1) actually 2) fortunately 3) finally 4) suddenly
11. Actually, Tom was busy yesterday. Therefore, I decided to call him later. "Actually" means
1) brightly 2) really 3) completely 4) politely
12. He taking the children to the zoo, but I didn't permit him.
1) suggested 2) finished 3) risked 4) minded
13. Mr. Akbari didn't accept my that he should call Maryam again.
1) suggestion 2) invention 3) invitation 4) information
14. The legend of John Henry is based on a real and character.
1) historical 2) safe 3) hungry 4) neat
15. I know Mary very well., I ate lunch with her 2 days ago.
1) completely 2) rapidly 3) in fact 4) slowly
16. A: Where is John? B: He is still at work.
1) probably 2) frequently 3) widely 4) occasionally

17. How long does the dry last in Somalia ?

- 1) season 2) clothes 3) skin 4) cough

18. Most of the people whom I met in Japan were very, kind and generous.

- 1) hospitable 2) dangerous 3) unkind 4) nervous

19. My mother doesn't like me to wear short skirts to church. She think that they are not

- 1) important 2) suitable 3) sufficient 4) polite

20. The of ancient Egypt are really amazing and interesting.

- 1) buildings 2) roads 3) rivers 4) pyramids

21. Iranian people have lived in this area since times.

- 1) modern 2) ancient 3) industrial 4) medical

22. The young commander ordered the soldiers to build a defensive wall around the city. "Around" means

- 1) near 2) outside 3) round 4) inside

23. Imam Hussein's is in Iraq's Karbala.

- 1) building 2) oil 3) way 4) shrine

24. She was lost in the for 2 weeks.

- 1) zoo 2) museum 3) desert 4) shop

25. They did not have enough money to pay for family entertainment. "Entertainment" means ...

- 1) enjoyment 2) experiment 3) employment 4) development

26. Toyota produces cars both for the markets and for the other countries in the world.

- 1) domestic 2) foreign 3) housing 4) vegetable

27. Some people love workingand meeting people from different cultures.

- 1) along 2) abroad 3) alone 4) fast

28. Sport is a major part of our national

- 1) religion 2) culture 3) airline 4) belief

29. This store sells a wide range of goods. "Range" means

- 1) a set of similar things 2) activities that people enjoy
3) the rural services 4) the essential services

30. She was a good partner and a friend to me.

- 1) fake 2) false 3) true 4) copy

Grammar

31. You are very fat. You eat too much sugar or potatoes.

- 1) couldn't 2) shouldn't 3) mightn't 4) won't

32. Children under five years old swim without an adult.

- 1) mustn't 2) mightn't 3) shouldn't 4) wouldn't

33. The children are hungry. They eat something.

- 1) could 2) had to 3) should 4) would

34. People obey the law.

- 1) can 2) might 3) must 4) should

35. Monkeys are called farmhands because they pick coconuts from the top of the tall trees.

- 1) should 2) must 3) have to 4) can

36. You are tired. I think you take a few days off.

- 1) should 2) must 3) may 4) would

37. You swim in that river. It's full of crocodiles.

- 1) mustn't 2) shouldn't 3) must 4) should

38. You touch anything electrical if you are in the bath.

- 1) shouldn't 2) should 3) mustn't 4) must

39. The company go bankrupt if they don't find a lot of money quickly.

- 1) can 2) should 3) might 4) could

40. Where is Anna? I don't know. She be at the swimming pool or in the park.

- 1) might 2) should 3) must 4) has to

41. Don't ring the doorbell when you get there. Maria's little baby sleeping.

- 1) must be 2) should be 3) may be 4) has to be

42. Where is Sam? I am not sure. He be having lunch.

- 1) must 2) may 3) should 4) will

43. Your salary is too low. You look for another job.

- 1) may 2) could 3) should 4) would

44. How did he swim? He swam

- 1) pride 2) quick 3) fast 4) careful

45. My father drives carefully, but my brother drives

- 1) carelessly 2) bad 3) careless 4) not carefully

46. Students usually speak English

- 1) careful 2) correct 3) hardly 4) slowly

47. Does Jim do his homework every day? Yes, he does.

- 1) careless 2) careful 3) carefully 4) bad

48. How did the young woman walk? She walked

- 1) quick 2) fast 3) rapid 4) bad

49. I wrote my name at the bottom of the page.

- 1) careful 2) hardly 3) generous 4) neatly

50. My brother is very He is always buying things for his friends.

- 1) generously 2) generous 3) cruel 4) nicely

51. When I was in Spain, I spent a few days Barcelona.

- 1) at 2) to 3) in 4) on

52. I ran into Mary a concert Thursday.

- 1) in / in 2) at / in 3) at / on 4) on / in

53. I am not very good fixing car.

- 1) about 2) at 3) in 4) on

54. We are going vacation at the end of the month. We will be away for three weeks.

- 1) on 2) to 3) at 4) in

55. Do you give each other presents Christmas?

- 1) at 2) in 3) on 4) next to

56. There was a little girl to him.

- 1) in front of 2) next 3) over 4) at

پاسخ های تشریحی درس ۴

لغات

۱. گزینه ۳ صحیح است.

امسال مایلم به خارج از کشور بروم، شاید به جنوب فرانسه.

۱) بطور گسترده ۲) سخت ۳) خارج کشور ۴) با احتیاط

۲. گزینه ۱ صحیح است.

زندگی در پاریس جاذبه های بسیار زیادی دارد، پارک های بزرگ، رستوران های خوب، مکان های قدیمی و غیره.

۱) جاذبه، کشش ۲) دشوار ۳) مقصد ۴) تعطیلات

۳. گزینه ۴ صحیح است.

پیشنهاد جالبی است، اما می ترسم آن را نتوانم بپذیرم.

۱) کم اهمیت ۲) عجیب و غریب ۳) خواب آلود ۴) جالب

۴. گزینه ۴ صحیح است.

ده روز بعد زمانیکه ما به مقصدمان رسیدیم، خسته و گرسنه بودیم.

۱) تعطیلات ۲) جاذبه ۳) پیشنهاد ۴) مقصد

۵. گزینه ۲ صحیح است.

یک فرد مذهبی که برای رفتن به یک مکان مقدس راه طولانی را سفر می کند. او زائر نامیده می شود.

- (۱) توریست (۲) زائر (۳) مسافر (۴) بازدید کننده
۶. گزینه ۱ صحیح است.
یک خانه در محل کلیسای قدیمی برای سالمندان ساخته خواهد شد.
- (۱) محل، جا (۲) روستا، کشور (۳) ایستگاه (۴) آژانس
۷. گزینه ۲ صحیح است.
من بخشی از تعطیلاتم را با خانواده مادرم گذراندم.
- (۱) وظیفه (۲) تعطیلات (۳) هدیه (۴) فصل
۸. گزینه ۱ صحیح است.
مری همه صبح را به گوش کردن به رادیو گذراند.
- (۱) گذراندن (۲) سفر کردن (۳) ترک کردن (۴) بازی کردن
۹. گزینه ۳ صحیح است.
در تابستان آنها قصد دارند از یک طرف کانادا به طرف دیگر آن سفر کنند.
- (۱) جذب کردن (۲) لذت بردن (۳) سفر کردن (۴) اختراع کردن
۱۰. گزینه ۱ صحیح است.
ما باید توجه داشته باشیم که کودکان واقعا چه کار می کنند.
- (۱) واقعا (۲) خوشبختانه (۳) سرانجام (۴) ناگهان
۱۱. گزینه ۲ صحیح است.
در واقع، تام دیروز گرفتار بود. بنابراین، تصمیم گرفتم بعدا به او زنگ بزنم.
- (۱) به روشنی (۲) واقعا (۳) بطور کامل (۴) مودبانه
۱۲. گزینه ۱ صحیح است.
او پیشنهاد کرد که بچه ها را به باغ وحش ببرد، اما من اجازه به او ندادم.
- (۱) پیشنهاد کردن (۲) تمام کردن (۳) خطر کردن (۴) اهمیت دادن
۱۳. گزینه ۱ صحیح است.
آقای اکبری پیشنهاد ام را که باید دو باره به مریم زنگ بزنم را نپذیرفت.
- (۱) پیشنهاد (۲) اختراع (۳) دعوت (۴) اطلاعات
۱۴. گزینه ۱ صحیح است.
افسانه جان هنری بر اساس یک شخصیت تاریخی و واقعی است.
- (۱) تاریخی (۲) امن، ایمن (۳) گرسنه (۴) مرتب
۱۵. گزینه ۳ صحیح است.
من مری را خیلی خوب می شناسم. در واقع، دو روز قبل با او ناهار خوردم.
- (۱) بطور کامل (۲) بسرعت (۳) در واقع (۴) به آهستگی
۱۶. گزینه ۱ صحیح است.
A: جان کجاست؟ B: او احتمالا هنوز سر کار است.
- (۱) احتمالا (۲) اغلب (۳) بطور گسترده (۴) گاهی

۱۷. گزینه ۱ صحیح است.

چه مدت فصل خشک در سوماتی طول می کشد؟

- (۱) فصل (۲) لباس (۳) پوست (۴) سرفه

۱۸. گزینه ۱ صحیح است.

بیشتر مردمی را که در ژاپن ملاقات کردم خیلی مهمان نواز، مهربان و بخشنده بودند.

- (۱) مهمان نواز (۲) خطرناک (۳) نا مهربان (۴) عصبی

۱۹. گزینه ۲ صحیح است.

مادر من دوست ندارد که من با دامن های کوتاه به کلیسا بروم. او فکر می کند که آنها مناسب آنجا نیستند.

- (۱) مهم (۲) مناسب (۳) کافی (۴) مودب

۲۰. گزینه ۴ صحیح است.

اهرام مصر باستان واقعا حیرت انگیز و جالب هستند.

- (۱) ساختمان ها (۲) جاده ها (۳) رودخانه ها (۴) اهرام

۲۱. گزینه ۲ صحیح است.

مردم ایران از عهد باستان در این ناحیه زندگی کرده اند.

- (۱) جدید (۲) باستان، کهن (۳) صنعتی (۴) پزشکی

۲۲. گزینه ۳ صحیح است.

فرمانده جوان به سربازها دستور داد تا یک دیوار دفاعی اطراف شهر بسازند.

- (۱) نزدیک (۲) بیرون (۳) اطراف (۴) درون

۲۳. گزینه ۴ صحیح است.

آرامگاه امام حسین در کربلای عراق است.

- (۱) ساختمان (۲) نفت، روغن (۳) راه (۴) آرامگاه

۲۴. گزینه ۳ صحیح است.

او به مدت ۲ هفته در بیابان گم شد.

- (۱) باغ وحش (۲) موزه (۳) بیابان (۴) فروشگاه

۲۵. گزینه ۱ صحیح است.

آنها پول کافی برای پرداخت هزینه های سرگرمی خانوادگی نداشتند.

- (۱) سرگرمی، تفریح (۲) آزمایش (۳) استخدام (۴) توسعه، رشد

۲۶. گزینه ۱ صحیح است.

شرکت تویوتا اتومبیل های خود را هم برای بازارهای داخلی و هم برای سایر کشور ها در جهان تولید می کند.

- (۱) داخلی (۲) خارجی (۳) مسکن، خانه سازی (۴) سبزی

۲۷. گزینه ۲ صحیح است.

برخی افراد دوست دارند در خارج از کشور کار کنند و مردم را از فرهنگ های مختلف ملاقات کنند.

- (۱) در طول، در امتداد (۲) خارج از کشور (۳) تنها (۴) سریع

۲۸. گزینه ۲ صحیح است.

ورزش بخش عمده ای از فرهنگ ملی ما است.

(۱) دین (۲) فرهنگ (۳) شرکت هواپیمایی (۴) اعتقاد، ایمان

۲۹. گزینه ۱ صحیح است.

این فروشگاه مجموعه وسیعی از کالاها را به فروش می رساند.

(۱) مجموعه ای از موارد مشابه (۲) فعالیت هایی که مردم لذت می برند

(۳) خدمات روستایی (۴) خدمات ضروری

۳۰. گزینه ۳ صحیح است.

او یک شریک خوب و دوست واقعی برای من بود.

(۱) جعلی (۲) غلط، نادرست (۳) واقعی (۴) کپی

گرامر

۳۱. گزینه ۲ صحیح است.

تو خیلی چاق هستی. نباید شکر و سیب زمینی زیاد بخوری.

از فعل کمکی should برای توصیه کردن، پیشنهاد دادن و یا درخواست پیشنهاد استفاده می کنیم. در واقع در این جمله گوینده قصد بیان یک نظر را دارد و هیچگونه اجبار شدیدی در کار نیست.

۳۲. گزینه ۱ صحیح است.

بچه های زیر ۵ سال نباید بدون یک بزرگتر شنا کنند.

وقتی انجام ندادن کاری مهم و ضروری است از must not استفاده می کنیم.

۳۳. گزینه ۳ صحیح است.

بچه ها گرسنه هستند. آنها باید چیزی بخورند.

فعل ربطی are حال ساده است، بنابراین چون گزینه های ۱، ۲ و ۴ گذشته ساده هستند غلط محسوب می شوند. در ضمن از should برای توصیه و سفارش کردن استفاده می کنیم.

۳۴. گزینه ۳ صحیح است.

مردم باید از قانون اطاعت کنند.

وقتی انجام دادن کاری، بخاطر یک قانون یا دستور واجب و ضروری و مهم است، از must استفاده می کنیم.

۳۵. گزینه ۴ صحیح است.

میمونها کارگران مزرعه نامیده می شوند زیرا آنها می توانند نارگیل ها را از بالای درختان بلند بچینند.

از can برای نشان دادن توانایی انجام کار در زمان حال و آینده استفاده می کنیم.

۳۶. گزینه ۱ صحیح است.

تو خسته هستی. من فکر می کنم تو باید چند روز مرخصی بگیری.

از should برای توصیه و یا سفارش کردن استفاده می کنیم. گوینده فقط قصد بیان نظر و عقیده خود را دارد و هیچ اجباری در کار نیست.

۳۷. گزینه ۱ صحیح است.

تو نباید در آن رودخانه شنا کنی. آن رودخانه پر از تمساح است.

فعل کمکی **should** اشاره به پیشنهاد ها و توصیه های ضعیف می کند، در واقع دنبال کردن این پیشنهاد ها اختیاری است و انجام آنها ضروری نیست. در حالیکه فعل کمکی **must** اشاره به دستور ها یا فرمان ها می کند و یا اشاره به پیشنهاد های می کند که انجام آنها ضروری است. و یا وقتی می خواهیم یگوئیم انجام ندادن کاری مهم و ضروری است از **must** استفاده می کنیم.

۳۸. گزینه ۳ صحیح است.

تو نباید به وسایل برقی دست بزنی اگر در حمام هستی.

با توجه به معنا و مفهوم جمله از **mustn't** استفاده می کنیم. در ضمن به توضیحات سوال ۶۵ توجه کنید.

۳۹. گزینه ۳ صحیح است.

شرکت ممکن است ورشکسته شود اگر آنها بسرعت پول زیادی بدست نیاورند.

با توجه به معنی جمله از **might** استفاده می کنیم.

۴۰. گزینه ۱ صحیح است.

آنا کجاست؟ نمی دانم. او ممکن است در استخر شنا و یا در پارکینگ باشد.

اگر عبارتها و یا اصطلاحات زیر که بیانگر شک و تردید هستند در جمله بکار روند، از **may** و **might** استفاده می کنیم.

I am not sure. مطمئن نیستم.

I do not exactly know. من دقیقا نمی دانم.

I wonder من تعجب می کنم، شگفت زده هستم، نمی دانم.

۴۱. گزینه ۳ صحیح است.

زنگ در را زنن وقتیکه به آنجا رسیدی. بچه کوچک ماریا ممکن است خواب باشد.

با توجه به معنی جمله از **may** (ممکن است) استفاده می کنیم.

۴۲. گزینه ۲ صحیح است.

سم کجاست؟ مطوئن نیستم. ممکن است در حال خوردن ناهار باشد.

به توضیح سوال ۶۸ رجوع شود.

۴۳. گزینه ۳ صحیح است.

حقوق تو خیلی پایین است. باید دنبال کار دیگری باشی.

برای بیان توصیه و پیشنهاد از **should** استفاده می کنیم.

۴۴. گزینه ۳ صحیح است.

چگونه شنا کرد؟ او بسرعت شنا کرد.

بعد از فعل اصلی جمله نیاز به قید حالت داریم. گزینه ۱، ۲ و ۴ صفت هستند. صفات یا قبل از یک اسم و یا بعد از افعال ربطی در جمله بکار می روند.

۴۵. گزینه ۱ صحیح است.

بعد از فعل اصلی جمله (drive) نیاز به قید حالت داریم.

گزینه های ۲ و ۳ صفت هستند.

۴۶. گزینه ۴ صحیح است.

دانش آموزان معمولا انگلیسی را به آهستگی صحبت می کنند.

بعد از فعل اصلی speak از قید حالت استفاده می کنیم. گزینه های ۱ و ۲ صفت هستند. گزینه ۳ یعنی hardly قید تکرار است و همیشه در جمله قبل از فعل اصلی و بعد از افعال کمکی بکار می رود.

I **hardly** know the people whom I am working with.

من خیلی کم افرادی را که دارم با آنها کار می کنم را می شناسم.
۴۷. گزینه ۳ صحیح است.

آیا جیم هر روز تکالیف اش را با دقت انجام می دهد.
بعد از فعل اصلی do قید حالت بکار می بریم. گزینه های دیگر صفت هستند.
۴۸. گزینه ۲ صحیح است.

زن جوان چگونه راه می رفت؟ او بسرعت می رفت.
بعد از فعل اصلی walk نیاز به قید حالت داریم. در این جمله fast نقش قید حالت را دارد.
۴۹. گزینه ۴ صحیح است.

من نام خود را در پایین صفحه بدقت نوشتم.
بعد از فعل اصلی wrote از قید حالت neatly استفاده می کنیم.
۵۰. گزینه ۲ صحیح است.

برادر من خیلی سخاوتمند است. او همیشه چیزهایی برای دوستانش می خرد.
بعد از فعل ربطی is از صفت استفاده می کنیم. گزینه ۳ cruel (بیرحم) نیز صفت است ولی به معنی جمله نمی خورد. گزینه ۲ hardly (بندرت، خیلی کم) قید تکرار است.

۵۱. گزینه ۳ صحیح است.
موقعیکه در اسپانیا بودم، چند روز را در بارسلونا گذراندم.
حرف اضافه in با نام شهرها، کشورها و قاره ها بکار می رود.
۵۲. گزینه ۳ صحیح است.

من اتفاقی مری را در کنسرت روز پنج شنبه ملاقات کردم.
به همراه روزهای هفته از حرف اضافه on استفاده می کنیم.
۵۳. گزینه ۲ صحیح است.

من در تعمیر اتومبیل زیاد مهارت ندارم.
از عبارت فعل **ing** دار + **at + good + are / is + am** برای اشاره به توانایی انجام کار استفاده می کنیم.

I am very good at riding horse.
من در اسب سواری مهارت دارم.
۵۴. گزینه ۱ صحیح است.

ما در پایان ماه داریم به تعطیلات می رویم. به مدت سه هفته دور خواهیم بود.
حرف اضافه vacation (تعطیلات) on است.
۵۵. گزینه ۳ صحیح است.

آیا شما در کریسمس به همدیگر هدیه می دهید.
Christmas با حرف اضافه on بکار می رود.
۵۶. گزینه ۲ صحیح است.

یک دختر کوچک کنار او وجود داشت.
حرف اضافه next to به معنی کنار، پهلوی است.

Mehdi Abbasi

افعال بی قاعده

اسم مفعول	گذشته ساده	معنی	حال ساده
been	was, were	بودن	be (am, is, are)
become	became	شدن	become
begun	began	شروع کردن	begin
blown	blew	وزیدن	blow
broken	broke	شکستن	break
brought	brought	آوردن	bring
built	built	ساختن	build
bought	bought	خریدن	buy
caught	caught	گرفتن	catch
chose	chose	انتخاب کردن	choose
come	came	آمدن	come
cost	cost	قیمت داشتن	cost
cut	cut	بریدن	cut
done	did	انجام دادن	do
drawn	drew	کشیدن	draw
drunk	drank	نوشیدن	drink
driven	drove	رانندگی کردن	drive
eaten	ate	خوردن	eat
fallen	fell	افتادن	fall
fed	fed	غذا دادن	feed
felt	felt	احساس کردن	feel
fought	fought	جنگیدن	fight
found	found	یافتن	find
fit	fit	مناسب بودن	fit
flown	flew	پرواز کردن	fly
forgotten	forgot	فراموش کردن	forget
got	got	بدست آوردن، شدن، رسیدن	get
given	gave	دادن	give
gone	went	رفتن	go
grown	grew	رشد کردن، بزرگ شدن	grow

اسم مفعول	گذشته ساده	معنی	حال ساده
had	had	داشتن، خوردن، نوشیدن، گرفتن	have
heard	heard	شنیدن	hear
hidden	hid	پنهان شدن، پنهان کردن	hide
hit	hit	ضربه زدن، زدن	hit
held	held	نگه داشتن، برگزار کردن	hold
hurt	hurt	صدمه زدن به	hurt
kept	kept	نگه داشتن	keep
known	knew	دانستن، شناختن، آشنا بودن با	know
left	left	ترک کردن جایی، گذاشتن	leave
lent	lent	قرض دادن	lend
let	let	اجازه دادن	let
lost	lost	گم کردن، از دست دادن	lose
made	made	ساختن، باعث شدن	make
meant	meant	معنی دادن، منظور داشتن	mean
met	met	ملاقات کردن	meet
paid	paid	پرداخت کردن	pay
put	put	گذاشتن	put
read	read	خواندن	read
ridden	rode	سوار چیزی شدن، راندن	ride
rung	rang	زنگ زدن	ring
risen	rose	بالا آمدن، طلوع کردن	rise
run	ran	دویدن، اداره کردن	run
said	said	گفتن، حرف زدن	say
seen	saw	دیدن، ملاقات کردن	see
sold	sold	فروختن	sell
set	set	غروب کردن، کار گذاشتن	set
sent	sent	فرستادن	send
shone	shone	درخشیدن	shine
shown	showed	نشان دادن	show
sung	sang	آواز خواندن	sing

اسم مفعول	گذشته ساده	معنی	حال ساده
sat	sat	نشستن	sit
slept	slept	خوابیدن	sleep
spoken	spoke	صحبت کردن	speak
spent	spent	گذراندن، خرج کردن	spend
stood	stood	ایستادن	stand
stolen	stole	دزدیدن، سرقت کردن	steal
swum	swam	شنا کردن	swim
taken	took	گرفتن، بردن	take
taught	taught	یاد دادن	teach
told	told	گفتن	tell
thought	thought	فکر کردن، تصور کردن	think
understood	understood	فهمیدن، درک کردن	understand
woken	woke	بیدار شدن	wake
worn	wore	پوشیدن، پا کردن، سر گذاشتن	wear
won	won	بردن، برنده شدن	win
written	wrote	نوشتن	write

By Mehdi Abbasi

مهدی عباسی

Mehdi Abbasi